

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

عرض کردیم که یکی از آیات شریفه‌ای که می‌توانیم به آن استدلال کنیم بر وضعیت نزع روح مؤمن همین آیه‌ی شریفه‌ی 31 از سوره فصلت است، که در این آیه شریفه خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ»

بیان کردیم که «تتنزل عليهم الملائكة» مراد این است که ملائکه در هنگام موت نازل می‌شوند و جزئیات بحث دیروز را ذکر کردیم. امروز برخی از روایاتی که مربوط به آیات شریفه است از کتاب شریف برهان بخوانیم تا معنای آیه برای ما روشن‌تر شود؛ در روایت پنجم علی بن ابراهیم ذکر می‌کند «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا، قَالَ عَلِيٌّ وَلايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع)» حالا تفاسیر اهل سنت نهایت چیزی که ذکر شده استقامت بر اعتقاد و عمل صالح است، حالا دیگر اینکه اعتقاد صحیح چیست وارد نشدند! روشن است که «رَبُّنَا اللَّهُ» را کسی می‌تواند بگوید که به آنچه خداوند تبارک و تعالی فرموده معتقد باشد، آنچه که خدا فرموده یکیش همین ولایت امیرالمؤمنین علی (ع) است که آیه ابلاغ در قرآن کریم دلالت بر آن دارد «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ». اگر يك کسی بگوید «رَبُّنَا اللَّهُ» اما اعتقاد به ولایت امیرالمؤمنین (ع) نداشته باشد، در گفتارش که می‌گوید «رَبُّنَا اللَّهُ» کاذب است و استقامت هم باید بر همین ولایت امیرالمؤمنین (ع) داشته باشد، یعنی کسی که ولایت را دارد همه‌ی دین را دارد و کسی که ولایت را ندارد هیچ چیز ندارد. این آیه‌ای که خدا به پیامبر فرمود اگر این را نکوئی رسالت را انجام ندادی! کاملاً يك قضیه‌ی روشنی از آن استفاده می‌شود و آن این است که کسی که ولایت دارد همه‌ی دین را دارد، کسی که ولایت ندارد هیچ چیز را ندارد، چرا می‌گوئیم کسی که ولایت ندارد نمازش نماز نیست و روزه‌اش روزه نیست و حجش حج نیست؛ این ریشه‌ی قرآنی دارد. خدا به پیامبر می‌فرماید: «إِنَّ لِمَ تَفْعَلْ» اگر این کار را انجام ندهی رسالت خدا را انجام ندادی، یعنی بقیه‌ی تبلیغ‌هایی که تا حالا کردی از بین می‌رود و آنها هم بی‌فایده است. پس کسی که بخواهد دینش کامل باشد و بر دین خود استقامت داشته باشد باید بر ولایت امیرالمؤمنین (ع) استقامت داشته باشد، این «علي و لاية أمير المؤمنين (ع)» بیان فرد اکمل استقامت است. یعنی فرد اکمل از مصادیق استقامت، استقامت بر ولایت امیرالمؤمنین (ع) است.

در روایت هفتم محمد بن مسلم از امام صادق (ع) سؤال می‌کند، «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) اسْتَقَامُوا عَلَيِ الْأَئِمَّةِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ» در این روایت تمام ائمه را دلالت دارد، یعنی آنهایی که بعد از امامت امام کاظم (ع) امامت حضرت رض (ع) را قبول نکردند و شدند واقفیه و در موسی بن جعفر (ع) توقف کردند و بعدی‌ها را قبول نکردند، اینها هم مشمول این آیه نیستند. آیه می‌فرماید آنهایی که «اسْتَقَامُوا عَلَيِ الْأَئِمَّةِ وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ».

روایتی را ابی‌بصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ قَالَ: هُمُ الْأَئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَتَجْرِي فِيهِمْ مِنْ اسْتِقَامٍ مِنْ شِيعَتِنَا» این آیه در آنهایی که از شیعیان ما هستند و استقامت دارند جاری می‌شود.

در روایت دیگری ابو الجارود از امام باقر (ع) نقل می‌کند «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ، يَقُولُ: اسْتَكْمَلُوا طَاعَةَ اللَّهِ وَ طَاعَةَ رَسُولِهِ

ولایه آل محمد(ع)» در این روایت می‌گوید اصلاً معنای ربنا الله این است که طاعت خدا و رسول و ولایت آل پیامبر(ص) را اینها قبول داشته باشند و قبلاً هم در بحث گذشته گفتیم این «ثم استقاموا» نمی‌خواهد یک چیز اضافی غیر از ربنا الله باشد، همان است و بر همان استقامت می‌کنند!

در بعضی تفاسیر آمده که «ربنا الله» فقط مسئله‌ی اعتقادی است و «استقاموا» مسئله‌ی عمل است، یعنی استقاموا فی العمل، ما عرض می‌کنیم نه، «ربنا الله» همه چیز را می‌گیرد. «استقاموا» را معنا کردیم به اینکه اعتقدوا به اینکه ربنا الله، چه کسی اعتقاد دارد به اینکه خدا ربّ او است؟ کسی که طاعت خدا و رسول و ولایت پیامبر و آل پیامبر را قبول داشته باشد. آن وقت بر همین استقامت کند، یعنی همین اعتقاد و عملی که اول دارد نسبت به اینکه باید خدا را اطاعت کند، واجبات را انجام بدهد، محرّمات را ترک کند، باید رسول خدا را هم اطاعت کند، «اطيعوا الله و اطيعوا الرسول» باید ولایت اهلبیت را هم داشته باشد، تا آخر عمر هم بر همین استقامت کند، نمی‌توانیم بگوئیم ربنا الله مسئله‌ی قولی است و استقاموا مسئله‌ی عملی است، نه! ربنا الله همه چیز است. لذا در این روایت می‌گوید «قالوا ربنا الله استكملوا طاعة الله و طاعة رسوله و ولایت آل محمد عليهم السلام ثم استقاموا عليه».

روایات دیگری هم هست که این استقامت و ربنا الله (هر دو)، یعنی از اینجا شروع کنیم: ربنا الله شامل ولایت امیرالمؤمنین و ائمه معصومین عليهم السلام می‌شود و این نکته‌ای است که حالا اگر این روایات در ذیل این آیه هم نبود، از آیات دیگر استفاده می‌شود که اگر کسی ولایت ندارد دین ندارد! کما اینکه اگر پیامبر ولایت را ابلاغ نمی‌کرد رسالتی که خدا بر دوش او گذاشته بود ناتمام بود. حالا آن آیات دلالت خوبی دارد و اینجا هم روایات مسئله را کاملاً روشن کرده. لذا این نتیجه را می‌گیریم که «تتنزل عليهم الملائكة» برای هر مسلمانی نیست. این «تتنزل عليهم الملائكة ألا تخافوا و لا تحزنوا» مربوط به شیعه است و مربوط به آنهایی است که اعتقاد به ولایت امیرالمؤمنین(ع) و ائمه‌ی معصومین دارند، شامل احادی غیر از شیعه نخواهد شد، شامل ائمه شیعه در درجه‌ی اول است و آنهایی که نسبت به امامت ائمه اعتقاد دارند، این یک نکته که از این روایات استفاده کردیم.

نکته‌ی دوم این است که باز در همین روایات دارد «تتنزل عليهم الملائكة قال عند الموت، ألا تخافوا و لا تحزنوا و أبشروا بالجنة التي كنتم توعدون نحن اولیاءكم فی الحیاة الدنی» ملائکه می‌گویند «نحن نحرصكم من الشیاطین» ما مواظب شما بودیم که شیاطین و سوسه در قلوبتان القاء نکنند! شما ببینید بعضی از اولیاء خدا هستند که اصلاً در ذهنشان گناه خطور نمی‌کند، اما بعضی از ماها دائماً در فکر گناه هستیم! این حرصت ملائکه نسبت به این است که اجازه ندهند شیاطین وارد قلوب مؤمنین شوند و آنها را وسوسه کنند، در این روایت هم دارد «کنّا نحرصكم من الشیاطین».

روایت جالبی در همین جا هست؛ «دخل حمران بن أعین علی أبي جعفر» حمران می‌گوید بر امام باقر(ع) داخل شدم، به امام عرض کرده «جعلت فداک یبلغنا أنّ الملائكة تنزلوا علیکم» به ما خبر دادند که ملائکه بر شما نازل می‌شود، آیا این حرف درست است؟ «قال أي و الله لتنزل علین» ملائکه بر ما نازل می‌شوند «فتطأ فرشني» روی همین فرشهای ما می‌نشینند، بعد حضرت فرموده «أما تقرأ کتاب الله تبارک وتعالی: إن الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة» تو قرآن خواندی که می‌فرماید اینهایی که گفتند ربنا الله ثم استقاموا، ملائکه بر اینها نازل می‌شود؟

**نکته:** در استقامت ائمه‌ی ما تردیدی وجود ندارد چون خودشان محور برای استقامت هستند، یعنی دیگران هم اگر به آنها معتقد شدند استقامت دارند، لذا ائمه چون مسئله‌شان خیلی روشن است لزومی ندارد که بگوئیم عند الموت ملائکه بر اینها نازل می‌شود! اما بقیه‌ی مؤمنین و شیعیان چون تا روز آخر در خطر هستند، خدایی نکرده همان لحظات آخر ممکن است این اعتقاد از اینها سلب شود لذا نمی‌توانیم بگوئیم استقامت دارند، تا استقامت نباشد ملائکه بر اینها نازل نمی‌شوند! نزول ملائکه به طوری که بتوانند ببینند اختصاص به ائمه در دنیا دارد، اگر واقعاً افرادی از کملین اولیای خدا باشد ممکن است، نمی‌خواهیم آنها را نفی کنیم! ما باشیم و ظاهر آیه شریفه و این روایتی که الان می‌خوانیم؛ از روایت استفاده می‌شود که ائمه محل نزول ملائکه هستند و بالفعل برای ائمه محقق شده. ائمه می‌فرمایند ملائکه نازل می‌شوند روی همین فرشهای ما می‌نشینند و به ما سلام می‌کنند و ما آنها را می‌بینیم و با ما صحبت می‌کنند. چرا؟ برای اینکه در ایمان و در ربنا الله و استقامت ائمه تردیدی نیست،

شرط نزول ملائکه این است «رَبَّنَا اللَّهُ تَمَّ اسْتَقَامُوا»، اما در غیر ائمه امکانش را نفي نمی‌کنیم ولي نزول و تنزلي که انسان معمولي بتواند آنها را ببیند و صحبت کند بسیار مشکل است. حالا اصلاً بگوئیم که از آیه‌ي شریفه استفاده می‌کنیم نزول ملائکه در دنیا مختص به ائمه طاهرین علیهم السلام است، اگر يك آدم عارف گفت من ملائکه‌ي الهي را می‌بینم نمی‌شود از او قبول کرد، براي اینکه این «رَبَّنَا اللَّهُ تَمَّ اسْتَقَامُوا» ي او هنوز نهایی نشده، در مورد ائمه علیهم السلام نهایی شده و لذا خودشان هم خبر دادند که اینها نازل می‌شوند و ما می‌بینیم، ولي در غیر ائمه اگر کسی ادعا کرد بر حسب این روایت که درباره این آیه شریفه آمده ما نمی‌توانیم بپذیریم.

حالا در زمان ما - اصلاً بحث را خیلی روشن کنیم - اگر يك آدم معمولي ادعا کرد من ملائکه الهي را می‌بینم ولو قبلاً ما خواندیم ملائکه مسدّد، مسدّد هم‌هي مؤمنین هستند، آنها مراقبند که شیاطین در قلوب ما خیلی نفوذ نکنند، اما اینکه آنها را ببینیم، نه! این ممکن نیست. حالا چند مورد از جمله مادر حضرت موسی، حضرت مریم، اینها که اتفاق افتاده و قرآن خبر داده به همان مقدار باید اکتفا کرد، اما حالا ما بگوئیم حضرت مریم ملائکه را دیده، پس در زمان ما هم يك آدم غیرمعصوم ملائکه را ببیند، مگر روایات دیگری باشد که باید روایات دیگر را دید.

ما باشیم و این روایت و آیه و ضابطه‌اي که آیه می‌گوید؛ می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ». استقامت ما که ان شاء الله اگر داشته باشیم عند الموت روشن می‌شود، پس وقت نزول ملائکه بر ما هم عند الموت است، اما استقامت ائمه در همین دنیا ثابت و محرز است و لذا در همین دنیا ملائکه بر آنها نازل می‌شوند. اما افراد معمولي را نمی‌توانیم بگوئیم استقامت دارند.

این برداشت ماست که می‌گوئیم آیه شریفه ملائکه در نزول ملائکه را «رَبَّنَا اللَّهُ تَمَّ اسْتَقَامُوا» می‌داند، این ملائکه در افراد غیر معصوم قبل الموت محرز نیست و موجود نمی‌شود، تا موت بخواهد بیاید آن موقع محرز می‌شود، لذا نزول ملائکه بر اینها هم عند الموت است، اما در ائمه‌ي طاهرین قبل الموت هم چون موضوع محرز است، ملائکه بر اینها نازل می‌شوند. در يك روایتی دارد «مَتِي تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ بِأَنْ لَا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا» امام باقر(ع) فرمود: عند الموت و يوم القيامة، هنگام موت و روز قیامت. باید بگوئیم این مربوط به نوع مردم است و الا آن روایتی که خواندیم که امام باقر(ع) خودش به حمران بن اعین فرمود «لَتَنْزَلُ عَلَيْنَ فَتَطَأُ فَرَشَنَ» اینها بر ما نازل می‌شوند.

و صلي الله علي محمد و آله الطاهرين